

**آغاز به کار جشنواره جهانی فیلم فجر**



گروه فرهنگ و هنر: جشنواره جهانی فیلم فجر

به شکلی مستقل از جشنواره ملی در حالی از روز چهارشنبه کار خود را آغاز کرد که هنوز نقدهایی درباره نحوه و شرایط برگزاری آن از حیث مستقل بودن از جشنواره ملی فجر باقی است و باز هم مسؤولان سازمان سینمایی در دومین سال پیاپی به دنبال ارائه تجربه‌ای دیگر از این شکل متمایز برگزاری جشنواره هستند. جدا از نحوه و سطح کیفی آثار که نیاز به نقد و تحلیل‌هایی مجزا دارد و نحوه اجرای جشنواره به شکلی مستقل، باید عنوان کرد که در روزهای ابتدایی به‌رغم معضلاتی که بابت تخصیص کارتهای جشنواره و نحوه ورود به سایت جهت رزرو بلیت‌ها وجود داشت، نسبت به جشنواره ملی برگزارشده شاهد پرگزاری رویداد منظم‌تری بودیم. اما از جمله بخش‌های مهم جشنواره، بخش دارالفنون جشنواره جهانی فیلم فجر بود که آغازگر این کارگاه‌ها، مجید مجیدی، کارگردان سرشناس ایرانی بود که در محوطه‌ای پرشور از جمعیت فیلمساز و منتقد جوان به بیان تجربیات و خاطرات فیلمسازی‌اش پرداخت. آغاز این نشست با بخش تصاویری از پشت صحنه‌های کمتر دیده شده فیلم محمدرسلوللله(ص) همراه بود و در ادامه مجیدی عنوان کرد: شما صحنه‌هایی از آخرین فیلم من را بر پرده دیدید که ۷ سال پروژه تحقیق، نگارش و ساخت آن طول کشید و تجربه بزرگی نه‌تنها برای من که برای سینمای ایران بود چون آدمهای صاحبنام بسیاری از جاهای مختلف جمع شده بودند تا این پروژه شکل بگیرد اما من می‌خواهم از ۳۰ سال کار برای شما بگویم. مجیدی افزود: بعد از دیده شدن و مورد توجه قرار گرفتن پهنه‌های آسمان و پدر راه برای من هموار شد تا راحت‌تر بتوانم دیگر کارهایم را بسازم.

مسعوددهنمکی:

### جوانان باید بلندگوی انقلاب اسلامی باشند

مسعود دهنمکی در جمع معتكفان مسجد الزهرا(س) مشهد، با اشاره به بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب در دیدار با انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، گفت: این بیانات بسیار مهم بود و تکلیفی که بر عهده جوانان گذاشتند را بخوبی تبیین کردند و فضا دقیقاً دارد مانند اول انقلاب می‌شود. وی تصریح کرد: در شرایطی که خواص انقلاب به دنبال خیانت و احداث بنای سقیفه جدید هستند باید حواس‌مان و حواس‌تان باشد که در بزنگاه‌ها در کدام دایره قرار خواهیم گرفت. درست مانند همان امتحانی که ابتدای انقلاب خیلی‌ها در آن مردود شدند و رده پایین و بالا هم نداشتند. وی افزود: نگذارید از دین‌مان، از انقلاب‌مان، از جنگ‌مان، یک تفکر سکولار بسازند. وی افزود: پهنه‌جزباللهی‌ها باید در همه عرف‌ها همچون مطبوعات و سینما از همدیگر دفاع کنند. بیشتر از روزنامه و نشریات، سعی کنید احادیث را بخوانید، مبانی اعتقادی خود را تقویت و سعی کنید خود را بسازید. دهنمکی در پایان خاطر نشان کرد: هر کدام از شما باید بلندگوی انقلاب و اسلام باشید، بلندگو بودن به حرف زدن نیست به عمل است.

### گرامیداشت فرج‌الله سلحشور در جشنواره جهانی فیلم فجر

گرامیداشت فرج‌الله سلحشور، فیلمساز فقید و ارزنده سینمای ایران در جریان جشنواره جهانی فیلم فجر برگزار می‌شود. مراسم نکوداشت فرج‌الله سلحشور، کارگردان سینما و تلویزیون با حضور رضا میرکریمی، مجید مجیدی و جمعی از سینماگران و هنرمندان روز یکشنبه ۵ اردیبهشت ماه ساعت ۱۸ در پردیس چارسو برگزار می‌شود. جاوید جعفری سینماگر هندی که دآوری بخش جلوه‌گاه شوق را برعهده دارد، در این مراسم حضور دارد و سخنرانی خواهد کرد.

### آمادگی برای ساخت سریال سلمان فارسی

معاون سیمای سازمان صاولوسیما درباره سیاست سریال سلمان فارسی اعلام کرد: فیلمنامه این سریال نوشته شده و آماده اجرایی شدن است. به گزارش اداره ارتباطات رسانهای شهرداری اصفهان، علی-اصغر پورمحمدی در نشست با شهردار و اعضای شورای اسلامی این شهر با اشاره به ظرفیت‌های موجود در اصفهان برای توسعه اقتصاد، فرهنگ و تمدن ایرانی با تاکید بر اینکه در یک دوره اصفهانی‌ها آمادگی خود را برای ساخت سریال سلمان فارسی اعلام کرده بودند، افزود: در حال حاضر فیلمنامه این سریال نوشته شده و آماده اجرایی شدن است و در صورت تمایل می‌توان این سریال را در زادهگ سلمان فارسی یعنی اصفهان تولید کرد.

سیدحمید رضوی: «کفش هایم کو؟» آخرین اثر کیومرث پوراحمد، فیلمساز قدیمی سینمای ایران است که پس از رونمایی در جشنواره فصر سال گذشته، چند هفتهای است وارد اکران سینماهای کشور شده است اما این فیلم چنان مضحکانه و با نگاه سطحی روایت می‌شود که بیشتر از اینکه درداور باشد و نشانهای از کفش‌های گمشده آدمی به دلیل تنهایی؛ ما را به یاد فیلم قدیمی «کفش‌های میرزا نوروز» می‌اندازد. چون بازیگر اصلی فیلم هم در مواردی با توجه به نوع لباسی که می‌پوشد شبیه نوروزخان می‌شود!

به هر حال داستان فیلم درباره سرگذشت مردی با نام «حبیب کاوه» بوده که کارخانهدار قدیمی مبتلا به بیماری آلزایمر است که به دلیل ترک خانوادهش و مشکلات تنهایی دچار این بیماری شده تا اینکه دخترش از خارج به ایران می‌آید و بعد همسرش می‌آید و شرایط روحی مرد بهتر می‌شود. کیومرث پوراحمد در نوشتن فیلمنامه فیلم جدیدش گفته است از دلایل نوشتن فیلمنامه این کار، خواندن رمان «هنوز آیس»، نوشته لیزا جنوا بوده است اما این کجا و آن کجا! چرا که آن اثر به شکلی روانشناسانه و در بستری ارزنده از روایتگری توانسته بود بخوبی شخصیت‌ها را برای مخاطب به نمایش درآورد تا بخوبی به عمق مساله پی ببریم اما این فیلم داخلی تنها در حالی از ادابازی به سمت شخصیت‌پردازی رفته و هیچ نگاه روشنی از تحلیل شخصیت‌ها را نشان نمی‌دهد، از این جهت ما نمی‌توانیم بفهمیم چرا خانواده مرد فیلم «کفش‌هایم کو؟» او را ترک کردهاند و چرا به شکلی اتفاقی بازگشتهاند، اصلا چه شد که زن ناگهان به ایران بازگشت و این رابطههای سرد ده طلی چند سال در عرض چند روز به گرمی گرایید!

از این جهت همه رفتارها و اتفاقات در فیلم پوراحمد به شکلی تصادفی ایجاد می‌شود و هیچ کدام عمیق نیست. از طرفی پرداخت شخصیت‌ها و نوع اجرای کارگردان و بازی‌ها چنان تصنعی است که نمی‌توان آنها را پذیرفت؛ از بازی تصنعی دختر جوان گرفته که دائم بی‌خودی در حال نوازش پدرش است تا نقش هنرمند برجستهای چون رضا کیانیان که چنان بد نوشته شده که نمی‌تواند هیچ‌گونه نزدیکی با آثار شاخص وی داشته باشد و چنان هدر می‌رود که برخی‌ها در سالن سینما به جای غمگین شدن به شخصیتی می‌خندیدند!

با توضیحات داده شده آخرین ساخته کیومرث پوراحمد را از دو منظر می‌توان قضاوت کرد. می‌توان از این زاویه وارد شد که پوراحمد بعد از فیلم «۵۰ قدم گروه فرهنگ و هنر: فیلم «بادیگارد» به عنوان تازهترین ساخته ابراهیم حاتمی کیا، فیلمساز ارزشمند سینمای ایران در اکران نوروزی توانسته است از استقبال قابل توجه مخاطبان برخوردار شود و این در حالی است که برخی امکانات تلبیعی دیگر آثار در اختیار این فیلم نبوده است. از سویی پس از ناقحی‌های صورت گرفته درباره این اثر منتقدانه در جشنواره فجر سی‌وی‌چهارم، توجه گسترده مردم برای تماشای این اثر توانست پاسخ قاطعی به متولیان سینمایی کشور باشد که بداند جدا از سیمرغ‌های به پرواز درآمده از آوردگاه جشنواره، این مردم هستند که سرنوشت و جایگاه آثار حقیقی را از جلی مشخص می‌کنند. البته مخاطب‌شناسی سینما خود مقوله پیچیده و غریبی است و نیاز به یادداشت تحلیلی مفصل و مجزایی دارد که در این مجال بنان راهی نیست. نکته پرداختی در مطلب پیش‌رو درباره نیاز سینمای ایران به قهرمانی ملی - مینهنی و نادیده‌انگاری اهالی سینمای ملی طراحی چنین قهرمانانی بر پرده نقره‌ای بوده که مساله مهم و متاسفانه مغفول مانده‌ای نزد مسؤولان، تولیدکنندگان و حتی رسانه‌های فرهنگی و هنری است. از این رو توجه به ساخته‌های فیلمسازی که در آثارش نگاهی خاص و ارزنده به قهرمان از نوع ملی و ایرانی وجود دارد، می‌تواند ما را به گزینه‌های ارزندهای از چرایی و چگونگی داشتن قهرمانانی ملی رهنمون کند.

در ابتدا به این پرسش می‌پردازیم که سینما چیست؟ شاید این پرسش در این میان کمی غریب باشد اما می‌تواند ما را به سرختهای عنوان یادداشت مبنی بر مولفههای قهرمان-پروری در سینما هدایت کند. سینما رازی است شگرف که به سواد جهانی شیرین ما را وارد رویاها، حسرت‌ها، واقعیات و خیالات دور و نزدیکی می‌کند که از نگاتیو دلسپاری تا پرده رسوایی همچون دریچهای روشن می‌تواند هم اینه‌ای پیش‌روی ما برای نمایش واقعیت درونی جهان زیستمان باشد و هم توان آن را دارد که دستمان را گرفته و وارد فضایی آن-سوتر از غربت امروز بیگانگی نسبت به حقیقت وجودی کند. در این میان وجود شخصیت‌هایی جاذبهبرآنگیز و پذیرفتنی که حتی پذیرش اعمال

فرهنگ و هنر

نگاهی به فیلم «کفش هایم کو؟» ساخته کیومرث پوراحمد

# کفش‌های میرزا نوروز!



آخر،» به فیلمی با ویژگی‌ها و مختصات «کفش‌هایم کو؟» رسیده که از کارگردانی و فیلمبرداری و تدوین گرفته تا بازی بازیگرانش کاملا متفاوت از اثر پیشین او است یا می‌توان روی مضمون فیلم متمرکز شد و به تحلیل محتوای آن پرداخت. «کفش‌هایم کو؟» فیلمی است که در دل احساسی‌ترین لحظات می‌خواهد خیال را جاشنی زندگی کاراکترش کند و با او گذشته‌ها را به یاد بیاورد. به همین دلیل است که دنیایش را آشکارا تهی از زمان و مکان می‌کند.

پیرنگ فیلم با ورود دختر حبیب به ایران آغاز می‌شود. ورودی که از همان ابتدا دارای یک نوع تردید است و تضادی را که میان او و جامعه اطرافش وجود دارد به رخ می‌کشد. شخصیت دختر حبیب از ابتدا محکوم به ترک پدر و خاک ایران می‌شود و ما با کاراکتری روبه‌رو هستیم که از دو جهت دچار است. از یک طرف با جامعه خود که در یادگیری زبان و فرهنگ ایرانی دچار کنجکاوی است، از طرف دیگر دچار نوعی درگیری درونی است که در قالب روابط دختر و پدری نمود پیدا کرده که جاشنی آن نوعی عذاب وجدان یا روحیهای انسان‌دوستانه است که بعد از بیست و چند سال سراغ او آمده است.

از طرفی کیانیان (حبیب) که نقش پدر آلزایمری را بازی می‌کند هیچ چیز از گذشته خود به یاد نمی‌آورد و با برخوردی بد، دخترش را از خانه بیرون می‌کند، از طرف دیگر مدام در انتظار بازگشت دختر و نامه‌های همسرش زمان را سپری می‌کند. فیلم آشکارا روی این چند چالش استوار است و بدون گفتن داستان، صرفاان چالش‌ها را به شکلی عریض امتداد می‌دهد و از حرکت طولی در راستای درام پرهیز کرده و ایهامی هم درباره نحوه ترک همسر و دختر حبیب وجود دارد. به همین دلیل بازیگویی

■ ■ ■

**چگونگی پرداخت به شخصیت قهرمان در آثار ابراهیم حاتمی کیا و فیلم «بادیگارد»**

## دیده‌بان حقیقت



ناکوک از حقیقت از سوی‌شان برای مخاطب می‌تواند سودایی از آرزومندی باشد، نیاز سینمایی است که می‌خواهد حکم داشته‌ها و نداشته‌های روزگاران را با زبان سینما صادر کند. پس خلق شخصیت و پر و بال دادن به حقیقتی باورپذیر نزد بیننده الزامی ناگسستنی با مقوله خیال و حقیقت برای چشمان ناظر بینندهای است که نگاه خود را به دور از همه‌همه‌های بیرون در درون سالتی تاریک به پرده عریض سینما و پرسونازهایش می‌دوزد و خود و خواسته‌هایش را در تصمیمات اخذ شده توسط او شریک می‌یابدرد و اینجاست که پاشنه آشیل فیلمسازان این سال‌های سینمای ایران رخ می‌نماید که به دور از هرگونه اهمیت‌دهی به مقوله شخصیت‌پردازی و قهرمان-پروری برای مخاطب، دل به داستانی سرد و روایتی کسل‌کننده با کاراکترهایی دورافتاده از خیال مردمان این سرزمین می‌نهند و نه روایتی ملموس می‌آفرینند و نه قصهای خوگرفته با مرام‌نامه اعتقادی مردمان سرزمین نور و راستی را به صحنه تماشا می‌کشاند، چرا که وقتی شخصیتی قابل پذیرش و اینجایی برای مخاطب خلق نشود، روایتی شاور در دل و روحش روان نمی‌شود و وقتی چنین نشود نه اثری در ذهن به یادگار می‌ماند و نه خاطرهای از جنس سینمایی که می‌تواند مکاتی مقدس برای شدن باشد.

پیش‌زمینه منطقی موضوعی است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. چنانکه روز و اتفاقات حاکم بر جامعه باشد، تا وقتی شیوه انتقال صحیح آنها را بر مدیومی مانند فیلم نماند، به یقین اثر او ناکارآمد خواهد بود. تصور کنید قصهای را که موموم مردم جزئیات دقیق آن را در نمونه‌های دیگر دیده‌اند و ملکه ذهن کرده‌اند و هیچ تازگی برایشان ندارد که مثلا از روی کنجکاوی بنشینند و این فیلم را ببینند.

فیلمنامه و اجرای «کفش‌هایم کو؟» در مقایسه با دیگر فیلم‌های در حال پخش چند گام عقب-تر است و در برخی موارد، نشان از شتابزدگی در نگارش، کارشناسی و اجرا دارد. در برخی قسمت‌ها ریتم کندی بر فیلم حاکم است و شخصیت‌سازی‌ها در بسیاری سکانس‌ها، مصنوعی به نظر می‌رسد به طوری که ما الگوی خوبی از الزایمر حبیب نداریم و در برخی موارد کیانیان در بازیگری خود و اجرای نقش خود بسیار دچار اغراق می‌شود. همچنین رفته رفته بر عمق آنها بیفزاید. فیلم در بسیاری از لحظات وامدار ماجراهای انسان-دوستانه و پر تکرار فیلم‌های پیشین می‌شود که نمونه‌های بسیار قوی‌تری، این مهم را به یاد بیاورد. به همین دلیل است امکان دارد برای افرادی که صرفا پرساس‌س موضوع حس درونی فیلم را می‌بینند هم‌رتبه با نوعی همراهی باشد اما با این وجود نمی‌توان از ضعف‌های مختلف فیلم به راحتی گذشت. جدا از اینکه مضمون بسیار زود حوصله تماشاگر را سر می‌برد و از طرفی در قسمتی از فیلم، آنجا که شخصیت‌های داستان گرد هم می‌آیند تا دلیل از هم-گسیختگی پایه‌های خانوادگی را جست‌وجو و بازیابی کنند، متاسفانه فضای ایجاد شده به دور از واقعیت است و برای مخاطب بسیار پذیرش سختی دارد. به این اضافه

کنید حضور بی‌دلیل شقایق فراهانی را که با چند لحظه حضور در فیلم، نه تاثیری بر روند آن دارد و نه به پیشروی داستان کمک می‌کند. در ادامه اختلاط یک مولود‌رام روانشناسانه با پایایی بسیار کلیشهای و شبیه فیلم‌های هندی، بیش از پیش، بیننده را مجبور به استفاده از جمله‌هایی مانند «بیشتر انتظار می‌رفت» می‌کند.

ناگفته نماند «کفش‌هایم کو؟» فیلمی است که به دنبال ارائه جهان تنهای برخی آدم‌ها و فاصله‌هاست و کارگردانش نتوانست بعضی لحظات را با حس و حال خلق کند. هر چند کم‌پایه بودن فیلمنامه از نظر دراماتیک به انسجام آن ضربه زده و باعث خسته شدن مخاطب در میانه‌های فیلم شده است.

■ ■ ■

دایی غفور «بوی پیراهن یوسف» چشمان انتظار را به نشان زو‌های عاشقی بیدار می‌خواند و حکایت قهرمانان آثار حاتمی کیااز جنس همین خواسته‌های دلبرانه مردمی است که با نسیم عشق سال‌ها روزگار را خوش می‌دارند و دل در گرو ارزش‌هایی دوستداشتنی دارند. از این رو فیلمساز می‌داند که چگونه در گذر روزگار، شخصیت‌هایی زلال و از جنس نگاه مردم بیافریند و حتی شخصیتی تاریخی و حقیقی چون دکتر چمران را برای ما تبدیل به قهرمانی پذیرفتنی و متصل به زمان کند.

حاتمی کیا در جدیدترین ساخته‌شاش سراغ قهرمانی رفته که از پس سال‌ها دلسپاری به نظام اسلامی تا پای شهادت از پای نمی‌نشیند. از این رو «حاج حیدر» در فیلم «بادیگارد»، گاه فریاد می‌زند و گاه هشدار می‌دهد و گاه وصیت عاشقی می‌نویسد و گاه از رویی که در آن خوش نیست کنار می‌رود. گاه طعنه می‌زند و گاه دلره می‌آفریند و همه اینها از جنس سال‌ها دوران طلایی دلسپاری به آرمان‌ها است؛ عشق به ارزش‌های خالصانه انقلاب اسلامی و پاسداری از باورهای نابی که گاه تندباد حادثه آن را به کناری می‌برد و غبار بر رخسارش می‌نشاند و حاتمی کیا که احوالی همقرین شخصیت‌های ساخته‌شدهاش دارد، به دنبال غبارروسی این فراموشی‌هاست و هر بار با قهرمانی از جنس آشنای مردم به قلب روایت می‌زند؛ شخصیت‌هایی که شکوه‌ها و کنایه‌ها و طعنه‌ها و رفتارهایی از جنس فیلمساز دارند؛ قهرمانانی که نمی‌خواهند بادیگارد باشند و همیشه محافظ می‌مانند. از این‌رو توجه به دغدغه‌های نویسنده و فیلمسازی واقعبیت در برگیرنده فاصله‌های است که در بخشی از نهاد جامعه با آرمان‌های اصیل رخ داده است و پرسوناز‌هایی از جنس حاج کاظم و چمران و حاج حیدر و سعید در پی بازگشت این رویاها به پایبست نگاه مردم هستند. اگر حاج کاظم بعضی فرخوردهاش را با مشت‌های نشسته در شیشه برج شیشه‌ای فراموشکاران جامعه از آرمان‌ها نشان می‌دهد و این حرکت اعتراضی به دل مردم می‌نشیند؛ کاراکتر سعید با سرفه‌های دردناکش خبر از هشداری اثر و مخاطب داشته و همراهی با قهرمانانی دارد که زبان حال مردم هستند.

الکساندر سوکوروف در کارگاه آموزشی جشنواره جهانی فجر:

**باید با ارزش‌های درون فیلم ساخت**



یکی از میهمانان ویژه جشنواره جهانی فجر، فیلمسازی مولفا از روسیه است که روز پنجشنبه در کاخ جشنواره، ورکشاپی را برگزار کرد. الکساندر سوکوروف، کارگردان مطرح روس در جریان کارگاه آموزشی دارالفنون و پاسخ به پرسش هنرجویی جوان درباره وجه بصری آثارش بویژه «مادر و پسر» و «پدر و پسر» گفت: وقتی کارگردانی دروش هیچ چیز شگفتی نداشته باشد با کمک تکنیک نمی‌تواند شگفتی خلق کند. این دو فیلم ادامه خواهد داشت و فیلم‌های دو خواهر و دو برادر را هم در آینده خواهیم ساخت. وی به روابط سردی که در خانواده‌های دنیای معاصر شکل گرفته است و محتوای فیلم «مادر و پسر» و «پدر و پسر» اشاره کرد و گفت: گاهی اوقات عشق آنقدر زیاد می‌شود که به‌راحتی نمی‌توان آن را نشان داد و باید به شکل هنری در فیلم به آن پرداخت. روابط بین انسان‌های نزدیک و خانواده‌ها نباید فراموش شود و این را به کمک سینما می‌توان تصویر کرد. وی افزود: در این دو فیلم قاب‌ها برگرفته از نقاشی‌های کاسپار دیوید فردریش، نقاش رومانتیک آلمانی است و به کمک آن توانستم زوبایای خاص رابطه انسان‌ها را نشان دهد. سینمای معاصر نمی‌تواند چیز جدیدی را به دنیا بیاورد مگر اینکه به هنرهای ظریف توجه کند. سوکوروف ادامه داد: این روزها مردم شیفته فیلم‌های امریکایی و هالیوودی شده‌اند. این فیلم‌ها در دنیای هنری سینما اصلا حرفه‌ای نیستند و این به خاطر ساده‌پرستی مردم است. فیلمسازان امریکایی می‌ترسند که برای فیلم‌هایشان از فرم‌های جدید استفاده کنند و ریسک نمی‌کنند و شرایط را به‌گونه‌ای ساختند که یا باید به سمت فیلمسازی آنها بروید یا شما از بین می‌برند. برای همین است که می‌گویم باید ارزش‌های خودتان را داشته باشید و با آن ارزش‌ها فیلم‌سازی‌د.

■ ■ ■

### تئاتر «سبز، سپید، سرخ» با موضوع «مدافعان حرم» تلویزیونی شد

تله تئاتر «سبز، سپید، سرخ» به نویسندگی و کارگردانی سعیدعلی موسویان که پیش از این در پانزدهمین دوره جشنواره تئاتر مقاومت جویز متندی را کسب کرده‌بود، آماده پخش از رسانه ملی به مناسبت سالروز رحلت حضرت زینب(س) شد. به گزارش فارس، این تله تئاتر ۵۳ دقیقهای که پیش از این طی ۲۰ شب اجرای عمومی در تماشاخانه سرو روی صحنه رفته بود، روایتگر ۳ داستان امروزی به موازات یکدیگر است که حلقه اتصال آنها شهید مدافع حرمی است که در سورهی توسط نیروهای تکفیری داعش به شهادت رسیده و قرار است پیکر پاک او تشییع شود. بنا بر گفته نویسنده این تله تئاتر، بخش اعظمی از داستان از اتفاقات واقعی مراسم تشییع شهید مدافع حرم افغان «محمدتقی حسینی» الهام گرفته شده است.

■ ■ ■

**نمایش نسخه باز سازی‌شده «گاو»**

**در جشنواره جهانی فیلم فجر** نسخه بازسازی‌شده فیلم سینمایی «گاو» با حضور علی نصیریان در سالن شماره یک پردیس چارسو و در حاشیه جشنواره جهانی فیلم فجر به نمایش در آمد. پیش از اکران این اثر مهم سینمای ایران، رضا کیانیان طی سخنانی درباره تاریخچه سینما در کشور‌هام به سخنرانی پرداخت. همچنین در ادامه مراسم علی نصیریان روی سن آمد و درباره نقش خود در فیلم «گاو» بیان کرد. من در این فیلم نقش «ش اسلام» را بازی می‌کنم. وقتی ما می‌خواستیم این فیلم را شروع کنیم کار تئاتر می‌کردیم و تاکنون در سینما نقشی ایفا نکرده بودیم. ما آن زمان جوان بودیم و دوست داشتیم در سینما کار کنیم و چیزی که آن زمان اهمیت داشت شور و هیجان ما بود.

■ ■ ■

**«فروشنده» فرهادی تابستان می‌آید**

اصغر فرهادی، کارگردان مطرح سینمای ایران پنجشنبه شب در جریان حضور در کاخ جشنواره جهانی فجر گفت: «فروشنده» را اواخر تابستان در ایران و چند کشور از جمله فرانسه، ایتالیا، آلمان، بلژیک و ترکیه اکران همزمان می‌کنیم. فرهادی در حاشیه کارگاه آموزش دارالفنون و در جمع خبرنگاران با بیان اینکه تکلیف حضور فیلم «فروشنده» در جشنواره کن نامشخص است، عنوان کرد: این فیلم اگر به جشنواره کن راه نیابد اکران عمومی می‌شود. اکران عمومی «فروشنده» اواخر تابستان صورت می‌گیرد، حال‌چه این فیلم به جشنواره کن برود و چه در این جشنواره حضور نداشته باشد.